

جودت پاشا: پیوند تاریخ‌نگاری و اندیشه سیاسی با مبانی غربی - اسلامی

غلامعلی پاشازاده^۱

چکیده: احمد جودت پاشا، مورخ، حقوق‌دان و دولتمرد عثمانی در سده نوزدهم میلادی بود. او به دنبال گسترش اصلاحات به سبک غربی در عثمانی، سر منشأ تحول در تاریخ‌نگاری عثمانی شد، وی، از یک سو، با به کارگیری روش و بینشی جدید، تاریخ‌نگاری نوین عثمانی را بنیان نهاد، و از سوی دیگر، با قرار دادن مفهوم دولت به عنوان محور تاریخ‌نگاری، مبانی نظری اندیشه سیاسی خود را در ضمن تاریخ‌نگاری به قلم آورد و در تدوین مبانی نظری اندیشه سیاسی خود، از مبانی نظری دولت و حکومت در اسلام و غرب همزمان بهره برد. نحوه استفاده همزمان جودت پاشا از اندیشه سیاسی غربی و اسلامی در مبانی نظری اندیشه سیاسی، مسئله پژوهش حاضر است که با روش توصیفی و تحلیلی و با استفاده از آثار جودت پاشا و منابع تاریخی آن زمان مورد بررسی قرار گرفته و به پرسش زیر پاسخ داده شده است: جودت پاشا چه پیوندی میان مبانی نظری اسلامی و غربی در مورد منشأ دولت برقرار کرده است؟

واژه‌های کلیدی: جودت پاشا، تاریخ‌نگاری، اندیشه سیاسی، عثمانی، سده نوزدهم میلادی

Jawdat Pasha: Bonding Historiography and Political Thought to the Western and Islamic Principles

Gholam - ali Pashazadeh¹

Abstract: Ahmed Jawdat Pasha was a 19th-century Ottoman historian, legist and statesman. Promoting Western-style reforms in the Ottoman Empire, he transformed Ottoman historiography. On the one hand, he founded modern Ottoman historiography by utilizing a new methodology and outlook, and on the other hand, he penned the theoretical precepts of his political thought in the process of historiography by pivoting historiography around the concept of state, and he simultaneously utilized the theoretical principles of government in Islam and the West in formulating the theoretical principles of his political thought. The way Jawdat Pasha simultaneously utilized Western and Islamic political thought in theoretical principles of political thought is the focus of the present study, which – through a descriptive and interpretive method and utilizing Jawdat’s works and historical sources of the time – attempts to answer the following question: What was the bond that Jawdat Pasha created between theoretical Islamic and Western precepts regarding the origin of state?

Keywords: Jawdat Pasha, Historiography, Political Thought, Ottoman Empire, 19th Century A.D.

1 Assistant Professor of History Department in Tabriz University gh_pashazadeh@yahoo.com

مقدمه

در سده نوزدهم میلادی، اصلاحات غرب گرایانه در عثمانی از عرصه نظامی وارد عرصه‌های نظری از جمله تاریخ شد و تاریخ‌نگاری عثمانی را دستخوش تحولی بنیادین نمود. نخستین کسی که در عثمانی به شکل جدی به تاریخ‌نگاری نوین همت گماشت، احمد جودت پاشا بود. او به عنوان مورخ و وقایع‌نگار رسمی چند تن از سلاطین عثمانی، در آثار تاریخی خود، بینش و روشی متفاوت از گذشتگان خود در پیش گرفت و با نگاهی متفاوت به پدیده‌های اجتماعی - تاریخی و منابع تاریخ‌نگاری، سرآغاز تاریخ‌نگاری نوین عثمانی را رقم زد و در این اقدام خود با قرار دادن مفهوم دولت از مفاهیم اساسی علم سیاست در محور تحولات تاریخی، اندیشه سیاسی خود را نیز در میان مباحث تاریخ‌نگاری به قلم آورد و تاریخ‌نگاری را با اندیشه سیاسی پیوند داد.

بررسی نحوه استفاده همزمان جودت پاشا از مبانی نظری دولت و حکومت در اسلام و غرب در تدوین اندیشه سیاسی خود، مسئله‌ای است که در پژوهش حاضر با روش توصیفی و تحلیلی مورد استفاده قرار می‌گیرد. داده‌ها از آثار جودت پاشا، به‌ویژه، تاریخ جودت و منابع تاریخی دست اول آن زمان، استخراج شده‌اند و در راستای بررسی مسئله پژوهش و پاسخ به پرسش اصلی، مورد تجزیه تحلیل قرار گرفته‌اند.

در مورد پیشینه پژوهش باید گفت که در زبان فارسی جز اشاره‌هایی کوتاه در برخی از آثار ترجمه شده‌ای مانند *راهنمای مورخان* از احمد صائب و نیز معرفی اجمالی در مدخل مربوط به این شخصیت در *دایرة المعارف بزرگ اسلامی*، مطلبی در خور توجه در باره نقش جودت پاشا در تاریخ‌نگاری نوین عثمانی و اندیشه سیاسی او وجود ندارد؛ ولی در آثار مختلفی که به صورت کتاب و مقاله در خصوص تاریخ‌نگاری جدید در ترکیه چاپ شده، راجع به تاریخ‌نگاری جودت پاشا و جایگاه آن در تاریخ‌نگاری نوین عثمانی بحث شده است. مقاله‌هایی مانند «تاریخ‌نگاری عثمانی» از محمد ایشیرلی، «در مورد تاریخ در میان عثمانی‌ها» از نجدت اوزترک، «تاریخ‌نگاری عثمانی از تنظیمات تا جمهوریت» از زکی اریکان، «دولت عثمانی در تاریخ احمد جودت پاشا» از بشیر آلتای، و مدخل جودت پاشا در *دایرة المعارف اسلامی ترک*، از جودت پاشا و تاریخ‌نگاری او بحث کرده‌اند. مفهوم دولت در اندیشه سیاسی جودت، فقط در مقاله آلتای مورد توجه قرار گرفته، اما، نویسنده، توجه جودت به مبانی نظری اسلامی و تناقض آن با مبانی غربی دولت و حکومت را نادیده گرفته است. این پژوهش‌ها در متن مقاله حاضر مورد استفاده قرار

گرفته و معرفی شده‌اند. از آنجایی که در باب تاریخ‌نگاری عثمانی به طور اعم، و تاریخ‌نگاری احمد جودت پاشا به طور اخص، در پژوهش‌های موجود در زبان فارسی، مطالب شایان توجهی وجود ندارد،^۱ سعی شده است موضوع‌های مورد بحث مقاله، تا حد ممکن، به شکل جامع مورد توجه قرار گیرد، تا مطالب برای خوانندگان مبهم نباشد.

تحول در تاریخ‌نگاری عثمانی

در سده نوزدهم میلادی اصلاحاتی که در عثمانی در عرصه نظامی از مدت‌ها پیش آغاز شده بود، وارد مرحله جدیدی گردید و برخلاف گذشته، اصلاح آموزش و اقتصاد و در نهایت اصلاح عرصه‌های نظری در تاریخ، فلسفه و ادبیات را نیز تحت تأثیر خود قرار داد.^۲ عوامل مختلفی زمینه‌های این تحول را فراهم آوردند. از دوره لاله، عثمانی‌ها مناسبات روز افزونی با اروپاییان پیدا کردند و افرادی از جامعه عثمانی برای انجام دادن مأموریت‌های مختلف راهی اروپا شدند. آن‌ها با حضور در جوامع اروپایی سفارت‌نامه‌هایی را به نگارش در آوردند، و در آن‌ها اوضاع اروپا را برای هموطنانشان به تصویر کشیدند و آگاهی‌هایی از تمدن اروپایی به ایشان ارائه کردند. ارتباط گسترده و روزافزون با اروپا، تاریخ امپراتوری عثمانی را با تاریخ اروپا پیوند داد و یادگیری زبان‌های رایج اروپایی را برای عثمانی‌ها به یک ضرورت تبدیل نمود. شانی‌زاده عطا الله افندی (۱۷۷۱-۱۸۲۶م)، واقعه‌نویس عثمانی، نمونه بارز این امر بود. او در کنار یادگیری علم پزشکی، زبان‌های فارسی و عربی و زبان‌های اروپایی، مانند ایتالیایی، فرانسوی، لاتینی و یونانی را فرا گرفت و زمانی که در سال ۱۸۱۹م به منصب وقایع‌نویسی در دربار عثمانی گماشته شد، به عنوان نخستین مورخ مسلمان از منابع اروپایی در تاریخ‌نگاری بهره برد.^۳

۱ برای آشنایی با فهرست مطالعات ایرانیان در مورد عثمانی‌ها، مراجعه کنید به: نصرالله صالحی (آبان ۱۳۹۱)، «مطالعات عثمانی در ایران»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ش ۱۷۴، صص ۱۷-۲۵.

2 Hilmi Ziya Ulken (1999), *Türkiyede çağdas Düşünce Tarihi*, Istanbul: Ulken Yayınları, s.36.

۳ برنارد لوتیس (۱۳۷۲)، ظهور ترکیه نوین، ترجمه محسن علی سبحانی، [بی‌جا]: انتشارات مترجم؛ و نیز:

Mehmet Işşirli (1999), "Osmanlı Tarih Yazıcılığı"; *Osmanlı*, cilt 8, Ankara: Türkiye yayınları. c. 252; Betül Başaran Alpugan (1999), "Gec Donem Osmanlı İmparatorluğunda Tarih Yazıcılığı ve Tarih Kitapları", *Osmanlı*, cilt 8, Ankara: Türkiye yayınları, s.263; Ahmet Acıduman (2009), "Şânizâde Mehmed Atâullah Efendi ve Mi'yârü'l-İtibâ adlı eserinde çocuk hastalıkları" *Çocuk Sağlığı ve Hastalıkları Dergisi*, 52, s.43; Yenal Ünal (2010), Türkiye'de Tarihçilik, Tarihçiliğin Gelişimi (15-20. YY) ve Türk-Batı Tarihçiliğine Örnek İki Kitabın Karşılaştırmalı Analizi, *Kelam Araştırmaları* 8:2, s. 190.

عامل دیگر در تحول تاریخ‌نگاری عثمانی در سده نوزدهم میلادی، گرایش به ساده‌نویسی را باید به شمار آورد که به علت مواجهه ادبیات عثمانی با ادبیات غرب مرسوم شده بود. نویسندگان و ادیبان عثمانی، به دنبال آشنایی با رمان، نمایشنامه و روزنامه‌نگاری در ادبیات غرب، به این نتیجه رسیدند که ادبیات مغلق و مندرس موجود در عثمانی، برای ورود به این عرصه‌های جدید ناقص و نارساست و لازم است اصلاحاتی در آن صورت گیرد. آن‌ها این ساده‌نویسی را برای آگاهی عموم از ضرورت اصلاحات و تولید کتاب برای همگان یک ضرورت قلمداد می‌کردند.^۱ حرکت ساده‌نویسی پس از انتشار روزنامه تقویم وقایع، نخستین روزنامه رسمی، در سال ۱۸۳۲م گسترش پیدا کرد و سپس با انتشار روزنامه‌هایی مانند تصویر افکار و دیگر روزنامه‌های خصوصی، این دوره فراگیر شد.^۲

در کنار آشنایی با اروپا و زبان‌های اروپایی و استفاده از منابع اروپایی در تاریخ‌نگاری و رواج ساده‌نویسی، تهدید موجودیت عثمانی به وسیله عوامل داخلی و خارجی نیز، جریان تاریخ‌نگاری در عثمانی را تحت تأثیر قرار داد و دگرگونی‌هایی در تاریخ‌نگاری سنتی ایجاد کرد. در این زمان، تهدیدهای خارجی و حرکت‌های ملی‌گرایانه ملهم از انقلاب کبیر فرانسه، امپراتوری عثمانی را با خطر تجزیه مواجه کرده بود. از این رو، از آغاز سده نوزدهم میلادی، گفتمان مسلط دینی در تاریخ‌نگاری عثمانی به تدریج جای خود را به گفتمان تاریخ‌خاندانی داد و تاریخ‌خاندان عثمانی جایگزین تاریخ اسلام شد، تا شاید بتواند امپراتوری عثمانی را با محوریت سلاطین عثمانی، بدون توجه به مسئله دین و قومیت، حفظ و حراست نماید.^۳

جودت پاشا و آثار تاریخی او

احمد جودت پاشا در سال ۱۸۲۳م / ۱۲۳۸هـ قدر لوفچا (Lofoça)ی بلغارستان به دنیا آمد. زبان‌های فارسی، عربی، بلغاری و فرانسوی را آموخت و در دوره تحصیل از طرف سلیمان فهیم افندی شاعر، عنوان جودت به او داده شد. همچنین، منطق، بیان، ریاضی، نجوم، تاریخ، جغرافیا و علوم دینی را فرا گرفت و در حالی که بیست و دو سال بیشتر نداشت، به منصب قضاوت در

۱ شیخ عنایت الله هندلی (۱۳۱۱ق)، بهار دانش، ترجمه نامق کمال، قسطنطنیه: مطبعة ابوالضیا، ص ۶

2 Zeki Arıkan (1958) "Tanzimattan Cumhuriyete Tarihiçilik", *Tanzimattan Cumhuriyete Türkiye Ansiklopedisi*, Cilt:6, Istanbul, İletişim Yayınları, s. 1584.

دفتر روم ایلی منصوب گردید.^۱ زمانی که صدراعظم مصطفی رشید پاشا برای انجام دادن اصلاحات مورد نظر خود به دنبال فردی آشنا به مسائل شرعی و آگاه به کتاب‌های تاریخی و قوانین فرانسوی بود، عارف حکمت بیگ، جودت پاشا را به او معرفی کرد و موجبات همکاری جودت با صدر اعظم اصلاح طلب عثمانی را فراهم آورد.^۲

جودت پاشا در سال ۱۸۵۰م به عضویت مجلس معارف عمومی و مدیریت دارالمعلمان گماشته شد و پس از مدتی همکاری با محمد فؤاد پاشا و نگارش کتاب قواعد عثمانیه،^۳ و نیز تألیف کتاب مدخل قواعد برای نوآموزان، در سال ۱۸۵۱م به عضویت انجمن دانش در آمد.^۴ حدود دو سال بعد، از طرف انجمن مذکور مأموریت یافت تاریخ عثمانی را از سال ۱۷۷۴ تا ۱۸۲۶م، یعنی از معاهده کوچوک قاینارجا (= قینارجه)، تا برچیده شدن ینی چری یا همان «وقعه خیریه» بنویسد.^۵ پیش از این، ژوزف هامر پورگشتال، وقایع تاریخ عثمانی را تا سال ۱۷۷۴ میلادی/ ۱۱۸۸ هجق نوشته بود و جودت پاشا باید تاریخ او را ادامه می‌داد.^۶

جودت، در سال ۱۸۵۴م/ ۱۲۷۰ هجق سه جلد اول از تاریخ خود را به اتمام رسانید و منتشر ساخت، که در همین زمان، به دلیل نثر ساده‌اش مورد توجه قرار گرفت^۷ و اشخاص اهل فن، از جمله هامر پورگشتال آن را ستودند.^۸ در سال ۱۸۵۵م/ ۱۲۷۱ هجق منصب وقایع نویسی دولت عثمانی به او واگذار شد. این منصب، معمولاً به افرادی داده می‌شد که جامع الاطراف، دارای تجربه و رازدار بودند و در نویسندگی مهارت کامل داشتند.^۹ جودت در این مقام، کتاب تذاکر جودت را که شامل چهل تذکره در باره حوادث سیاسی و اجتماعی زمان خود وی می‌شد، به

1 Mehmed Cemaleddin(2003), *Osmanlı Tarih ve Müverrihleri(Ayine-i Zurefa)*, İstanbul: Kitabevi, S.106; *Islam Ansiklopedisi*(2005), cilt 7. İstanbul: Türkiye Diyanet Vakfı, Cevdet Paşa.

۲ فاطمه عالیه(۱۳۳۲ق)، احمد جودت پاشا و زمانی، استانبول: قناعت کتابخانه سی، صص ۳۱-۳۴؛ استانفورد جی. شاول و ازل کورال شاول(۱۳۷۱)، *تاریخ امپراتوری عثمانی و ترکیه جدید*، ترجمه محمود رمضان زاده، ج ۲، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ص ۱۲۳.

۳ این کتاب با مشخصات زیر چاپ شده است: احمد جودت(۱۳۰۳ق)، *قواعد عثمانیه*، استانبول: قره بتین مطبعه سی.

4 *Islam Ansiklopedisi*, Cevdet Paşa.

۵ احمد جودت پاشا(۱۳۰۹ق)، *تاریخ جودت*، ج ۱، استانبول: مطبعه عثمانیه، ص ۳.

6 Gábor Ágoston and Bruce Masters(2009), *Encyclopedia of the Ottoman Empire*, New York: facts on file, p.254; Zeki Arıkan,s. 1584.

۷ فاطمه عالیه، همان، ص ۱۱۳؛ *Islam Ansiklopedisi*, Cevdet Paşa.

8 Zeki Arıkan,s. 1584.

9 Necdet Öztürk(1999), "Osmanlılarda Tarih Yazıcılığı Üzerine", *Osmanlı*, cilt 8, Ankara: Türkiye yayınları, s.260.

منظور راهنمایی احمد لطفی افندی، وقایع‌نگار پس از او، به نگارش درآورد.^۱ از چهل تذکره موجود در *تذکره شش تذکره نخست*، شرح حال وقایع‌نویسان پیش از جودت، و تذکره چهارم، شرح زندگانی خود مؤلف است، و بقیه تذکره‌ها، شرح حوادثی هستند که جودت خود در جریان آن‌ها حضور داشته است.^۲ جودت پاشا تا سال ۱۸۶۵ میلادی در مقام وقایع‌نویس باقی ماند و بعدها به مقام‌های مختلفی، مانند ریاست دیوان احکام عدلیه، وزارت عدلیه، وزارت معارف، و کالت صدارت و مقام‌های مهم دیگر، نایل آمد، تا این که در سال ۱۸۹۵م در گذشت.^۳

جودت پاشا، علاوه بر تاریخ جودت در دوازده مجلد، و *تذاکر جودت*، آثار دیگری نیز در زمینه تاریخ دارد که *معروضات و قصص انبیا و تواریخ خلفا* از آن جمله‌اند. *معروضات* را جودت به دستور سلطان عبدالحمید و در مورد وقایع تاریخی و سیاسی سال‌های ۱۸۳۹ تا ۱۸۷۶م نوشت.^۴ اثر دیگر، یعنی *کتاب قصص انبیا و تواریخ خلفا*، حاصل اواخر عمر اوست. این کتاب در مورد تاریخ انبیا و خلفای اسلامی تا زمان سلطان مراد دوم است.^۵ جودت همچنین در کتاب دیگری تحت عنوان *تقویم‌الادوار*، از تقویم‌های مختلف در بین اقوام گوناگون سخن به میان آورده است.^۶

روش تاریخ‌نگاری جودت

تاریخ‌نگاری احمد جودت پاشا را نقطه عطفی در تاریخ‌نگاری جدید عثمانی،^۷ و آثار تاریخی او، به ویژه *تاریخ جودت* را نماینده برجسته تحول در تاریخ‌نگاری تنظیمات معرفی کرده‌اند.^۸ این تلقی از تاریخ‌نگاری جودت پاشا، به دلیل ویژگی‌هایی است که در روش تاریخ‌نگاری او

1 Zeki Arkan, s. 1586

۲ علی اکبر دیانت (۱۳۸۹)، «جودت پاشا»، *دایرة المعارف بزرگ اسلامی*، ج ۱۸، تهران: مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ص ۶۹۸

3 *Islam Ansiklopedisi*, Cevdet Paşa.

۴ همان‌جا.

۵ این کتاب با مشخصات زیر چاپ شده است: احمد جودت پاشا (۱۳۳۱ق)، *قصص انبیا و تواریخ خلفا*، استانبول: قناعت مطبعه سی. درمدخل جودت پاشا در *دایرة المعارف بزرگ اسلامی*، این اثر به اشتباه *تاریخ انبیا از آدم تا خاتم معرفی* شده است. مراجعه شود به: علی اکبر دیانت، همان، ص ۶۹۸

۶ این اثر با مشخصات زیر چاپ شده است: احمد جودت پاشا (۱۲۸۷ق)، *تقویم‌الادوار*، [بی‌جا]: [بی‌نا].

7 Ipsirli, s.252.

8 Agoston and Masters, p. 254.

وجود دارد. از جمله این ویژگی‌ها بهره‌برداری از منابع مختلف است. جودت برای نوشتن تاریخ خود کتاب‌های وقایع‌نگاری مربوط به عثمانی، سفرنامه‌ها، منابع تاریخی فارسی، عربی و نیز منابع اروپایی و اسناد آرشیوی را به دقت مطالعه نمود و آن‌ها را در آغاز تاریخ جودت، جزو منابع خود معرفی کرد.^۱ در این میان، استفاده جودت از اسناد، اهمیتی دو چندان دارد. هر چند مورخان عثمانی پیش از جودت نیز از اسناد آرشیوی استفاده کرده بودند، اما جودت برای نخستین بار به شکل علمی و نظام‌مند از اسناد بهره برد^۲ و رونوشت اسناد رسمی، فرمان‌ها، متن عهدنامه‌ها و کلیه اسناد مربوط به وقایع مختلف را به آخر هر جلد از کتاب تاریخ جودت ضمیمه نمود.

در تاریخ جودت، بر خلاف وقایع‌نگاری‌های پیشین، وقایع و حوادث در یک شاکله کلی مورد نظر قرار گرفته‌اند و در روایت آن‌ها گسست وجود ندارد. او همچنین در روایت وقایع و حوادث، تنها موضوع‌های سیاسی را مورد توجه قرار نداده، بلکه در کنار وقایع سیاسی، بنیادهای اساسی امپراتوری عثمانی و تاریخ مؤسسه‌های آن را نیز مطالعه کرده است. به علاوه، تاریخ او سرگذشت صرف امپراتوری عثمانی نیست، زیرا همه موضوع‌هایی که تاریخ انسانی را تحت تأثیر قرار داده‌اند، در کتاب او مورد توجه قرار گرفته‌اند. تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فنی اروپا، مسئله استقلال آمریکا، انقلاب کبیر فرانسه و وقایع پس از آن، به خوبی بررسی شده‌اند و موضوع‌هایی مانند امراض مسری، خشک‌سالی‌ها، رواج باروت و سلاح آتشین، دگرگونی در تاکتیک جنگ، پیدایش ماشین چاپ و رواج آن، تاریخ دریانوردی، کشف آمریکا، سرازیر شدن طلا و فلزات قیمتی آمریکا به اروپا، گسترش استفاده از توتون و غیره، محور بررسی جودت واقع شده‌اند.^۳

بینش تاریخ‌نگاری جودت

جودت پاشا تاریخ را فنی برای گذار اسلاف به اخلاف و وسیله‌ای به منظور تشخیص میزان مزیت ایام گذشته و امت‌های مختلف نسبت به همدیگر معرفی می‌کند^۴ و غرض اصلی از علم

۱ احمد جودت پاشا (۱۳۰۹ق)، همان، صص ۴-۱۴؛ احمد صائب (۱۳۸۸)، «راهنمای مورخان»، به کوشش علی ارطغرل، ترجمه نصرالله صالحی، مزدک نامه ۲، تهران: خواهان، ص ۶۳۶؛ Arikan, s. 1584; Ipsirli, s.252.

2 Ipsirli, s.252.

3 Arikan, s. 1585.

۴ جودت پاشا (۱۳۰۹ق)، همان، ص ۳.

تاریخ را آگاهی از درستی و نادرستی وقایع گذشته و اسباب حقیقی آن‌ها و کسب معلوماتی می‌داند که موجب آگاهی و یقین شوند. او با این نگاه به علم تاریخ، وظیفه مورخ را پژوهش در اسباب صحیح وقایع ذکر می‌کند. به اعتقاد جودت، مورخ باید وقایع مفید و دارای ارزش خبری و مناسب عبرت‌آموزی را گزارش کند و از وقایعی که دارای چنین ارزشی نیستند، چشم‌پوشی نماید. او تکلف‌های منشیانه و ابراز فضل را برای مورخ در نقل وقایع روا نمی‌شمارد و لازم می‌بیند گزارش تاریخی کاملاً سلیس و منقح باشد. به اعتقاد جودت، گزارش‌های تاریخی با تکلف‌های منشیانه، به مطابقت گزارش با واقعه چندان بهایی نمی‌دهند و به همین دلیل فاقد ارزش هستند.^۱

جودت پاشا منابع تاریخی گذشته را دو قسم می‌داند و اعتقاد دارد که یک قسم از آن‌ها برای خدمت به تاریخ، و قسم دیگر برای خدمت به فن نثر نوشته شده‌اند. او آثار مورخان عرب را از نوع نخست قلمداد می‌کند که در آن دو غرض با همدیگر ترکیب نشده‌اند؛ حال آن که در آثار مورخان متأخر، به دلیل تمیز ندادن مقصد در تاریخ‌نگاری، خدمت به فن نثر با تاریخ‌نگاری در آمیخته است و از این رو، با وجود رونوشت‌های زیاد از آثار آن‌ها، از آن آثار فایده‌ای به دست نمی‌آید. جودت با این توضیح‌ها، متذکر می‌شود، غرض از تألیف تاریخ جودت، نه خدمت به فن نثر، بلکه فایده تاریخی است و در آن از تکلف‌های منشیانه خبری نیست. وقایعی در آن مورد توجه قرار گرفته‌اند که دارای ارزش خبری هستند و از گزارش موضوع‌های عادی، مانند سفرهای تابستانی و زمستانی سلطان، صرف نظر شده است، مگر آن که دارای مطلبی مفید برای فن تاریخ باشند.^۲

احمد جودت پاشا با نگاه خاص خود به علم تاریخ، آثار وقایع‌نویسان گذشته را به نقد می‌کشد و می‌نویسد که، این آثار، با الفاظ پرطمطراق و سیله‌ای برای عرض خلوص نویسندگان به صاحبان قدرت بوده‌اند و برای تبدیل آن آثار به تاریخ‌های صحیح، باید تعدیل‌های زیادی در آن‌ها صورت گیرد. او با اذعان به دشواری نگارش تاریخ معاصر به شکل بی‌غرضانه،^۳ خاطر نشان می‌سازد که سعی کرده است در نوشتن تاریخ جودت با رعایت اصول بی‌طرفی به عنوان اصل نخست تاریخ‌نگاری، بدون طرفداری از اشخاص، «علی قدر الاستطاعه» به تصحیح

۱ همان، ص ۱۴.

۲ همان‌جا.

۳ همان، ص ۴.

گزارش‌ها و ذکر اسباب اصلی آن‌ها اهتمام نماید.^۱ جودت، با تأثیر پذیری از کارامزین روسی، همه ابعاد وقایع را مورد توجه قرار داده و با ارائه گزارش دقیق از وقایع، برخی وقت‌ها داوری در مورد وقایع را به سلامت فکر خوانندگان واگذار کرده است.^۲

دولت، محور اصلی تاریخ نگاری جودت

جودت پاشا تاریخ را از آن نظر سودمند می‌داند که برای مدنیت انسانی سودمند است. او تاریخ را علمی معرفی می‌کند که عموم مردم را به وقایع گذشته، و خواص را «به رازهای پنهان مقتضی» آگاه می‌سازد و برای آن‌ها در تشکیل عالی‌ترین درجه مدنیت، یعنی تشکیل «دولت و سلطنت»، مفید واقع می‌شود؛ چرا که مهارت در امور سیاسی فقط با کسب تجربه امکان‌پذیر می‌گردد و چون عمر افراد برای کسب تجربه در همه زمینه‌ها کفایت نمی‌کند، افراد تجربه‌هایی از این دست را از گنجینه‌های فراهم شده از علم تاریخ به‌دست می‌آورند. او همچنین، انسان‌ها را از نظر معنوی و فکری محتاج به علم تاریخ می‌داند و می‌نویسد که انسان‌ها برای آگاهی از گذشته و آینده و اسرار ازلی و ابدی گرایش طبیعی دارند و علم تاریخ به این نیاز آن‌ها پاسخ می‌دهد.^۳

در تاریخ‌نگاری جودت، علم تاریخ با طبع مدنی انسان و تشکیل دولت پیوند یافته است. از نظر او، چون انسان دارای طبع مدنی است، نمی‌تواند مانند حیوانات به شکل فردی و بدون پیوند با دیگران زندگی کند، از این‌رو تشکیل جمعیت می‌دهد. اجتماعات انسانی درجات متفاوتی دارد. در کمترین درجه آن قبیله‌های چادرنشین جای می‌گیرند که با تدارک نیازمندی‌های ضروری انسانی، ادامه نسل بشر را امکان‌پذیر می‌نمایند؛ اما از معارف، علوم، صنایع و سایر خصائص کمالیه انسانی محروم می‌مانند. در مقابل جمعیت چادرنشین، دولت و سلطنت در بالاترین درجه جمعیت قرار می‌گیرد که انسان‌ها در آن «در سایه حفظ و حراست یک دولت از غدر و تعدی نسبت به یکدیگر و اندیشه دشمنان آسوده می‌شوند و از یک طرف به تحصیل احتیاجات بشری و از طرف دیگر به تکمیل کمالات انسانی همت می‌گمارند».^۴

جودت پاشا با این مقدمات وارد بحث منشأ دولت می‌شود و می‌نویسد:

۱ همان، صص ۱۴-۱۵.

2 Cemaleddin, s.106.

۳ همان، صص ۱۵-۱۷.

۴ همان، صص ۱۵-۱۶.

«از آنجا که دفع ضرر و کسب منفعت در انسان یک امر طبیعی است و بعضی اوقات در یک هدف و مقصد آرزوی چند نفر مشترک و مزاحم هم است، بنابراین در حالت عادی نسبت به هم حيله می‌کنند و برخی اوقات در یک مصلحت عمومی میان یک جمعیت با جمعیت دیگر منازعات و محاربه‌ها صورت می‌گیرد. هر کس حقوق ذاتی و عمومی خود را به حکومت واگذار می‌کند و به حکم و همت آن راضی می‌گردد و به تحصیل لوازم و کمالات انسانی مجالس فراهم می‌آورند و ملت صنف صنف از هم جدا شده برخی زراعت و تجارت و برخی دیگر در امور ملکی و سپاهی مشغول خدمت می‌شوند. با کمک علوم و صنایع حوایج ضروری صد نفره را با ده نفر تأمین می‌کنند و موادی که در ظرف مدت طولانی به عمل می‌آمد در مدت کوتاهی به عمل می‌آید. اوقات آن ملت از تحصیل حوایج ضروری بیشتر می‌شود و این اوقات اضافی برای تکمیل خصایص کمالیه انسان صرف می‌گردد و لوازم ... مدنیت از این طریق هر روز بیشتر مترقی می‌شود»^۱.

در بیان جودت پاشا در خصوص منشأ دولت، نشانه‌هایی از نظریه‌های ابن‌خلدون وجود دارد.^۲ او همانند ابن‌خلدون، وجود اجتماعات پیش از تشکیل دولت را می‌پذیرد و هدف از این اجتماعات را در پایین‌ترین سطح آن، کمک انسان‌ها به همدیگر و برآورده ساختن ضروری‌ترین و ساده‌ترین نیازمندی‌های انسان، یعنی تغذیه و تولید مثل، قلمداد می‌کند. همچنین، همانند ابن‌خلدون، منازعه‌های میان انسان‌ها و جمعیت‌ها پیش از تشکیل حکومت‌ها را برای تشکیل حکومت امری ضروری معرفی می‌کند؛^۳ اما زمانی که از تشکیل حکومت و منشأ دولت سخن می‌گوید، از ابن‌خلدون فاصله می‌گیرد و برخلاف او، از قدرت‌یابی یک فرد و ادا شدن مردم به اطاعت از خود،^۴ سخن به میان نمی‌آورد. جودت، در بحث از منشأ دولت، به

۱ همان، ص ۱۶.

۲ جودت پاشا مقدمه ابن‌خلدون را به ترکی ترجمه کرده است.

۳ مقایسه شود با: عبدالرحمن بن‌خلدون (۱۳۴۵)، مقدمه ابن‌خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، ج ۱، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، صص ۷۷-۸۰؛ محسن مهدی (۱۳۷۳)، فلسفه تاریخ ابن‌خلدون، ترجمه مجید مسعودی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ص ۲۴۲؛

Beşir Atalay (1999), Ahmet Cevdet Paşa Tarihinde Osmanlı Devleti", *Osmanlı*, cilt 8, Ankara: Türkiye yayınları, s.274- 275.

۴ عبدالرحمن بن‌خلدون، همان، ج ۱، ص ۷۹؛ محسن مهدی، همان، ص ۲۴۵.

آموزه‌های اصحاب دولت مشروطه در غرب نزدیک می‌شود. به نظر جودت، انسان‌ها به دلیل طبع مدنی خویش، از زندگی در حالت طبیعی، به زندگی اجتماعی و تشکیل جماعت روی می‌آورند و برای حفظ حقوق خود از تجاوز هموعان، حقوق ذاتی و عمومی‌شان را به حکومت واگذار می‌کنند و به حکم آن راضی می‌شوند. مفهوم حقوق ذاتی و عمومی مورد نظر جودت، با مفهوم قانون طبیعی و حقوق طبیعی، به توضیح نیاز دارند. مفهوم قانون طبیعی از مفاهیم مربوط به یونان باستان بود. متفکران یونان باستان به قوانین نامکتوبی اعتقاد داشتند که از نظر آنان در طبیعت و به‌ویژه در نهاد آدمی نهفته است. آنان طبیعت را منظم و هدفمند، و آدمیان را موجوداتی طبعاً اجتماعی به شمار می‌آوردند و اجتماع و زندگی اجتماعی را لازمه رشد آدمی تلقی می‌کردند و زندگی اجتماعی آرمانی و مطلوب را تحقق‌پذیر می‌دانستند. در دوره‌های بعد، طرفداران حکومت مشروطه، قانون طبیعی را به مفهوم هنجارهای اخلاقی الزام آور پذیرفتند و از آن برای محدود نمودن قدرت حکومت استفاده کردند.^۱

حقوق طبیعی و انسانی مورد نظر جودت پاشا نیز از اجزای اصلی مفهوم قانون طبیعی است و به موجب آن، حقوق طبیعی و انسانی خواست‌های مشروعی محسوب می‌شوند که انسان‌ها به صرف انسانیت خود واجد آن هستند. جان لاک، از معروف‌ترین و مؤثرترین متفکران حقوق طبیعی، اعتقاد داشت، همه افراد بشر طبیعتاً در وضعی برابر هستند و از حقوق و قدرت یکسانی برخوردارند. هیچ کس بر دیگری برتری ندارد و در برابر مواهب طبیعت همه به طور یکسان متولد می‌شوند و از استعدادهای یکسانی بهره می‌برند. بنابراین، باید همه در وضعی برابر به سر برند و هیچ کس نباید فرمانبر و فرمانروای دیگری باشد.^۲ اما از آنجایی که انسان باید الزاماً به حاکمیت جامعه تن می‌داد، طرفداران حقوق طبیعی، از جمله روسو، برای برقراری حکومت در جامعه، به قرارداد اجتماعی متوسل شدند و چنین اظهار نمودند که انسان‌ها در نهایت با میثاقی تحت عنوان قرارداد یا پیمان اجتماعی به تشکیل حکومت مبادرت کرده و سهم حاکمیت خود را به شهریار داده‌اند.^۳

رضایت به حکم و همت حکومت هم که جودت پاشا به آن اشاره می‌کند، از مفهوم

۱ اندرو وینسنت (۱۳۷۱)، *نظریه‌های دولت*، ترجمه حسین بشیریه، تهران: نشرنی، ص ۱۶۳.

۲ ویلیام تامس جونز (۱۳۸۳)، *خدایان و اندیشه سیاسی*، ترجمه علی رامین، ج ۲، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ص ۸۰۰-۸۰۱؛ اندرو وینسنت، همان، ص ۱۶۴.

۳ ژان ژاک روسو (۱۳۶۶)، *قرارداد اجتماعی یا اصول حقوق سیاسی*، ترجمه منوچهر کیا، تهران: انتشارات گنجینه، ص ۳۶.

اندیشه رضایت در غرب سرچشمه می‌گیرد. جوهر اندیشه رضایت این است که هیچ کس اجباری به اطاعت یا حمایت از قدرت سیاسی ندارد، مگر آن که شخصاً به آمریت آن رضایت داده باشد. مفهوم رضایت با سنت قرارداد و حقوق طبیعی ارتباط نزدیک دارد؛ به طوری که تاریخ اندیشه رضایت و اندیشه قرارداد، یکی و یکسان تلقی می‌شود. جان لاک، نخستین نظریه‌پرداز که به نحوی منظم از اندیشه رضایت بهره گرفته است، زمانی واژه قرارداد را به کار می‌برد که قدرت واحد بر اساس رضایت افراد و مشارکت در سطح افقی تشکیل شده باشد.^۱

تعبیر جودت پاشا از هدف و غایت دولت را نیز می‌توان با هدف دولت در نظریه اصحاب دولت مشروطه مطابقت داد. اصحاب نظریه دولت مشروطه، هدف از تشکیل دولت با قرارداد اجتماعی را صیانت از آزادی‌های فردی قلمداد می‌کنند. از نظر جودت، غایت و هدف دولت، حفظ و حراست انسان‌ها از غدر و تعدی همدیگر و نیز دشمنان خارجی است. با این که این تعبیر از غایت دولت در سخنان ابن‌خلدون نیز وجود دارد،^۲ شاید بتوان گفت که ممانعت از تعدی انسان‌ها به همدیگر، همان حفظ حریم آزادی‌های فردی آن‌هاست که اصحاب دولت مشروطه به آن اعتقاد دارند و این اندیشه، برخلاف نظر آتالای،^۳ تفاوتی با نظر روسو و اصحاب دولت مشروطه ندارد.

جودت پاشا، در تبیین ظهور و سقوط دولت‌ها، بازم به نظر ابن‌خلدون بر می‌گردد و می‌نویسد، حیات یک دولت به زندگی انسانی شباهت دارد و همانند آن، دوران کودکی و جوانی را سپری می‌کند و به دوران پیری و ضعف و فتور می‌رسد. با توجه به این روال، هر دولتی، زمانی قدرتمند می‌شود و زمانی دیگر دچار ضعف می‌گردد. دولت‌ها در آغاز ظهور خود ساده و سبکبارند و به تدریج با افزایش قدرت، بر تکلف‌های شأن آن افزوده می‌شود و سادگی نخست آن‌ها از بین می‌رود. «مشاغل و مصارف آن فزونی می‌یابد و زمانی که واقعه‌ای فوق‌العاده رخ می‌دهد، مصارف معمول آن افزایش می‌یابد و دچار مضیقه می‌گردد و چنانچه در امر اداره امور قصور حادث گردد، به ضعف و فتور گرفتار می‌شود».^۴

۱ فرشاد شریعت (۱۳۸۶)، مبانی اندیشه سیاسی در غرب از سقراط تا مارکس، تهران: نشرنی، ص ۱۵۷.

۲ عبدالرحمن بن‌خلدون، همان، ج ۱، ص ۷۹.

3 Atalay, s.275.

۴ احمد جودت پاشا، همان، صص ۱۷-۱۸.

به اعتقاد جودت، مشکلات دولت‌ها همیشه در دوره پیری حادث نمی‌شود. برخی وقت‌ها، دولت‌ها پیش از رسیدن به سن جوانی، به دلیل قصور خود و یا به علت بروز قضا و قدر، محو و منقرض می‌شوند و گاهی هم دولت‌ها علی‌رغم بروز و ظهور انحطاط و فتور، با تدابیر حکیمانه تجدید حیات می‌یابند. بنابراین، عمر دولت‌ها با نحوه اداره آن‌ها نسبت مستقیم پیدا می‌کند و چنانچه برای مشکلات آن‌ها راه‌حل‌های مناسب پیدا شود، عمر دولت‌ها افزایش می‌یابد. او دولت را به جسم انسانی تشبیه می‌کند و می‌نویسد، باید همانند جسم انسانی، در هر دوره‌ای از عمر دولت، برای بیماری‌های آن علاج و درمانی مناسب تجویز نمود، همان‌طور که برای انسان در سنین مختلف داروهای مختلف، و مناسب سن و سال او تجویز می‌شود.^۱

انواع دولت و دولت عثمانی

جودت پاشا در بحث از اقسام حکومت، ابتدا از حکومت در بین دولت‌های مسیحی سخن به میان می‌آورد و می‌نویسد، دولت‌های مسیحی با وجود آن که احکام سیاسی خود را از قوانین حکیمانه‌ای ترتیب داده‌اند که از اجتماع عقلا نشأت گرفته، باز هم حکومت آن‌ها به دو نوع حکومت روحانی و دینی، و حکومت جسمانی و مادی، تقسیم شده است. منظور از حکومت روحانی همان حکومت پاپ‌ها در میان کاتولیک‌ها، و حکومت بطرک‌ها در میان ارتودکس‌هاست. او حکومت مادی را هم به سه نوع حکومت: مطلقه، حکومت مشروطه و حکومت جمهوری تقسیم می‌کند و در تعریف حکومت مطلقه می‌نویسد: «حکومت مطلقه، حکومت حکممداری است که عنان حکومت را به طور کامل در دست گرفته باشد؛ مثل روسیه». او حکومت مشروطه را «حکومت حکممدار تابع رأی مجلس ملت» تعریف می‌کند و آن را به دو نوع «مشروطه عمومیه» و «مشروطه حبسیه» تقسیم می‌کند. در مشروطه نوع نخست، «مردم مساوی دانسته می‌شوند» و مانند آلمان و ایتالیا، به غیر از وزیران دولت، مجلسی از منتخبان مردم دارند. در مشروطه نوع دوم، «اعیان ملت از سایرین متمایز می‌گردند». جودت، انگلستان را نمونه‌ای برای این نوع مشروطه معرفی می‌کند و می‌نویسد، در انگلستان «مجلسی مرکب از مبعوثان ملت دارند که مصوبات آن به مجلس اعیان داده می‌شود». مجموع مجلس

اعیان و مجلس نمایندگان ملت «پارلامنت» را تشکیل می‌دهند. وزیران و مأموران دولتی توسط «قرال» یا همان حکمدار انتخاب می‌شوند، اما در برابر پارلمان مسئول هستند. در مورد حکومت جمهوری هم می‌نویسد، این نوع حکومت، حکمدار مخصوص ندارد و حکمدار آن، با اکثریت آرا انتخاب و به ریاست ملت منصوب می‌شود؛ همانند جمهوری آمریکا.^۱

جودت پاشا، پس از تشریح انواع حکومت‌ها در غرب، در نهایت، حکومت اسلامی را متمایز از حکومت نوع غربی معرفی می‌کند و می‌نویسد: حکومت اسلامی «جامع خلافت و سلطنت»، و پادشاه اسلام در جایگاه «امام مسلمین» «حامی شریعت و محیی سلطنت» است و به همین دلیل، در طول تاریخ از تفرقه و تشتت در امان مانده است. جودت پاشا، پیدایش سلطنت‌های مستقل در زمان خلفای عباسی را هم محل این قاعده نمی‌داند و پیدایش آن‌ها را مواردی استثنایی و اموری ناشی از اختلال در سرزمین‌های اسلامی معرفی می‌کند و می‌نویسد: «هر چند در اواخر دوره عباسی به علت اختلال‌های عظیم در ممالک اسلامی خلافت و سلطنت از هم جدا شدند و خلافت ریاست دینی و سلطنت ریاست مادی شد، بعد از ظهور دولت علیه عثمانی ملت اسلام تجدید حیات یافت و به حالت اصلی برگشت».^۲

در این بیان کوتاه جودت پاشا در مورد حکومت اسلامی، نشانه‌هایی از مبانی نظری حکومت در اسلام وجود دارد. صحبت او از جایگاه امام مسلمانان به عنوان جامع خلافت و سلطنت، از قاعده وحدت امامت سرچشمه می‌گیرد. در نظام سیاسی اسلام قاعده وحدت امامت، در راستای تعلق حاکمیت به خداوند مطرح می‌شود. در نظام سیاسی اسلامی، حاکمیت به خداوند متعال تعلق دارد^۳ و او برای سعادت بشر قوانین لازم را از طریق وحی به پیامبر ابلاغ

۱ همان، صص ۱۸-۱۹.

۲ همان، ص ۲۰.

۳ در باب تعلق حاکمیت به خداوند و قاعده وحدت امامت در اندیشه سیاسی اهل سنت، علی سعادی از اندیشمندان روحانی عثمانی در سده نوزدهم میلادی مقاله‌های جالبی دارد که در مقاله حاضر در تشریح قاعده وحدت امامت از آن‌ها بهره گرفته شده است. برای نمونه، مراجعه کنید به: علی سعادی (۱۲۸۶ق)، «الحاکم هو الله»، *روزنامه علوم*، ش ۱، صص ۱۹-۲۴. در خصوص اندیشه سیاسی سعادی در زبان فارسی، اخیراً مقاله‌ای تحت عنوان «علی سعادی و اندیشه پارلماناریسم در امپراتوری عثمانی» چاپ شده است که متأسفانه اغلاط فاحشی از نظر محتوایی دارد. به عنوان نمونه، نویسندگان مقاله، زمانی که از اندیشه سعادی در باره عدم سکوت در برابر ظلم صحبت کرده‌اند، نوشته‌اند که سعادی در مورد نحوه ایستادگی در برابر ظلم، سخن نگفته است؛ حال این که او در مقاله‌ای تحت عنوان «قدرت سیاسی در دولت اسلامی»، به طور دقیق می‌نویسد که: باید با قیام در برابر ظالم ایستاد. یا همچنین، زمانی که از نظام شورایی مورد نظر سعادی سخن می‌گویند، به همین نحو اظهار می‌کنند که، سعادی در باره نظام شورایی مورد نظر خود در عثمانی

می‌کند. این قوانین فقط منحصر به قوانین دنیوی نیست، بلکه قوانین لازم برای سعادت اخروی بشر را نیز شامل می‌شود. وضع قوانین از طرف منبعی روحانی و فوق بشری، از آن رو ضرورت می‌یابد که افراد انسانی، هم به صورت فردی و هم به صورت جمعی، فاقد صلاحیت لازم برای وضع قوانین در راستای سعادت دنیوی و اخروی هم‌نوعان خود شناخته می‌شوند.

پس از رحلت پیامبر، خلیفه به عنوان جانشین او، بر مبنای قاعده وحدت امامت، امور حکومت را به دست می‌گیرد. بر اساس این قاعده، امام یا همان خلیفه، یعنی جانشین پیامبر، همانند او از قداست برخوردار نیست و تنها ناظر بر اجرای قوانین شریعت است. او توسط مردم و با بیعت و رضایت آنان به مقام حکومت می‌رسد و تا زمانی که قوانین شریعت را اجرا نماید، ظل‌الله در زمین محسوب می‌گردد. وی نمی‌تواند برای امور اخروی قانون وضع نماید، اما برای اجرای بهتر قوانین شریعت در امور سیاسی و دنیوی می‌تواند قوانین عقلانی وضع نماید. بنابراین، بین قدرت روحانی و قدرت دنیوی او جدایی وجود ندارد و تا زمانی که مطیع شریعت و مجری آن باشد، صورت حکومت موجود در جامعه سیاسی، مظهر حکومت خداوند و محل تجلی عدالت ازلی محسوب می‌شود.^۱ بدین ترتیب، سخن جودت پاشا درباره امام مسلمانان به عنوان جامع خلافت و سلطنت، با پشتوانه مبانی نظری حکومت در اسلام و قاعده وحدت امامت صورت گرفته است، بدون این که جودت پاشا آن مبانی را تشریح نماید. چنانچه این تلقی از اندیشه جودت در مورد جایگاه خلیفه پذیرفتنی باشد، در گفتار او در باب منشأ دولت و اعتقادش به نظام سیاسی اسلامی، تناقض نمایان می‌شود.

نتیجه‌گیری

احمد جودت پاشا، با بررسی انتقادی منابع، استفاده علمی از اسناد، نگاه به وقایع و حوادث در یک شاکله کلی و تلاش برای دریافتی روشن از علل و اسباب وقایع، تاریخ‌نگاری جدید عثمانی

توضیحی نداده است؛ در حالی که او در مقاله‌ای با عنوان «دموقراسی: حکومت خلق، مساوات»، نظام شورایی مورد نظر خود در عثمانی را تشریح می‌کند. نویسندگان مقاله با توجه به عدم دسترسی به آثار مختلف سعادی، در تبیین اندیشه او در موارد متعدد به خطا رفته‌اند که دو مورد بالا نمونه‌هایی از آن‌ها بود. برای اطلاع بیشتر، مراجعه کنید به: حسن حضرتی و توران طولابی (زمستان ۱۳۹۰)، «علی سعادی و اندیشه پارلمانتاریسم در امپراتوری عثمانی»، پژوهش‌نامه تاریخ اسلام، س ۱، ش چهارم، صص ۵۹-۶۰؛ علی سعادی (۱۳۸۷ق)، «قدرت سیاسی در دولت اسلامی»، روزنامه علوم، ش ۱۶؛ علی سعادی (۱۳۸۷ق)، «دموقراسی: حکومت خلق، مساوات»، روزنامه علوم، ش ۱۸.

۱ همان، ص ۲۶؛ و نیز: علی سعادی (۱۳۸۷ق)، «قدرت سیاسی در دولت اسلامی»، روزنامه علوم، ش ۱۶، صص ۹۹۸-۹۹۹.

را بنیان نهاد و برای تاریخ و مورخ رسالت‌های جدیدی تعریف نمود که در تاریخ‌نگاری متقدم عثمانی پیشینه نداشت. او تاریخ را باطبع مدنی انسان پیوند داد و تاریخ را از آن نظر سودمند دانست که انسان‌ها را در تشکیل عالی‌ترین درجهٔ مدنیت، یعنی تشکیل دولت و سلطنت، یاری می‌دهد. به اعتقاد جودت، تشکیل دولت و سلطنت نیازمند مهارت‌هایی در امور سیاسی است و به دست آوردن آن مهارت‌ها فقط از طریق مطالعهٔ تاریخ، به مثابهٔ منبعی برای انباشت تجارب، امکان‌پذیر می‌شود.

جودت پاشا در توضیح منشأ دولت، از یک طرف، مفاهیم فلسفی و اخلاقی مورد استفادهٔ نظریه‌پردازان دولت مشروطه در غرب را، مانند قانون طبیعی، حقوق طبیعی و قرارداد اجتماعی، به کار می‌گیرد؛ و از طرف دیگر، حکومت اسلامی را از انواع حکومت‌های متداول در غرب متمایز معرفی می‌کند، و حکومت اسلامی را جامع خلافت و سلطنت، و پادشاه اسلام را در مقام امام مسلمانان، حامی شریعت و احیاکنندهٔ سلطنت به شمار می‌آورد. نوشته‌های او در بارهٔ منشأ حکومت، و اعتقادش به مفاهیمی مانند حقوق طبیعی و قرارداد اجتماعی، با اعتقاد او به ماهیت حکومت در اسلام منافات دارند. در شناخت قرارداد اجتماعی به‌عنوان منشأ دولت، حاکمیت حق مردم شمرده می‌شود که آزادانه به حکمدار واگذار می‌گردد، تا او از آزادی‌های افراد صیانت نماید؛ در حالی که، در مبانی اندیشهٔ سیاسی در اسلام، حاکمیت نه به مردم، بلکه به خداوند تعلق دارد، در اندیشهٔ سیاسی اسلامی حکمدار به دنبال صیانت از آزادی‌های افراد به مفهوم غربی آن نیست و فقط تلاش می‌کند احکام شریعت را اجرا نماید، بنابراین، در اندیشهٔ جودت پاشا، در خصوص منشأ دولت تناقض وجود دارد و او برای رفع این تناقض تلاشی به عمل نیاورده است.

منابع و مأخذ

الف. فارسی

- ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۴۵)، مقدمهٔ ابن خلدون، ترجمهٔ محمد پروین گنابادی، ج ۱، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- جونز، ویلیام تامس (۱۳۸۳)، *خداوندان اندیشهٔ سیاسی*، ترجمهٔ علی رامین، ج ۲، تهران: انتشارات علمی و

- فرهنگی.
- دیانت، علی اکبر (۱۳۸۹)، «جودت پاشا»، *دایرة المعارف بزرگ اسلامی*، ج ۱۸، تهران: مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی.
 - روسو، ژان ژاک (۱۳۶۶)، *قرارداد اجتماعی یا اصول حقوق سیاسی*، ترجمه منوچهر کیا، تهران: انتشارات گنجینه.
 - شاول، استانفورد جی. و ازل کورال شاول (۱۳۷۱)، *تاریخ امپراتوری عثمانی و ترکیه جدید*، ترجمه محمود رمضان زاده، ج ۲، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
 - شریعت، فرشاد (۱۳۸۶)، *مبانی اندیشه سیاسی در غرب از سقراط تا مارکس*، تهران: نشرنی.
 - صالحی، نصرالله (آبان ۱۳۹۱)، «مطالعات عثمانی در ایران»، *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*، ش ۱۷۴.
 - لوئیس، برنارد (۱۳۷۲)، *ظهور ترکیه نوین*، ترجمه محسن علی سبحانی، [بی جا]: انتشارات مترجم.
 - مهدی، محسن (۱۳۷۳)، *فلسفه تاریخ ابن خلدون*، ترجمه مجید مسعودی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
 - وینسنت، اندرو (۱۳۷۱)، *نظریه های دولت*، ترجمه حسین بشیریه، تهران: نشرنی.

ب. ترکی عثمانی

- جودت پاشا، احمد (۱۲۸۷ق)، *تقویم الادوار*، [بی جا]، [بی نا].
- ---- (۱۳۰۳ق)، *قواعد عثمانیه*، استانبول: قره بتین مطبعه سی.
- ---- (۱۳۰۹ق)، *تاریخ جودت*، ج ۱، استانبول: مطبعه عثمانیه.
- ---- (۱۳۳۱ق)، *قصص انبیا و تواریخ خلفا*، استانبول: قناعت مطبعه سی.
- سعوی، علی (۱۲۸۶ق)، «الحاکم هو الله»، *روزنامه علوم*، نمره ۱.
- سعوی، علی (۱۲۸۷ق)، «دموقراسی: حکومت خلق، مساوات»، *روزنامه علوم*، ش ۱۸.
- ---- (۱۲۸۷ق)، «قدرت سیاسی در دولت اسلامی»، *روزنامه علوم*، ش ۱۶.
- صائب، احمد (۱۳۸۸)، «راهنمای مورخان»، به کوشش علی ارطغرل، ترجمه نصرالله صالحی، مزدک نامه ۲، تهران: خواهان.
- عالیه، فاطمه (۱۳۳۲ق)، *احمد جودت پاشا و زمانی*، استانبول: قناعت کتابخانه سی.
- هندلی، شیخ عنایت الله (۱۳۱۱ق)، *بهار دانش*، ترجمه نامق کمال، قسطنطنیه: مطبعه ابوالضیا.

ج. ترکی جدید

- Aciduman, Ahmet (2009), “Şânîzâde Mehmed Atâullah Efendi ve Mi'yârü'l-Etibbâ adlı eserinde çocuk hastalıkları” *Çocuk Sağlığı ve Hastalıkları Dergisi*.
- Arıkan, Zeki (1958), “Tanzimattan Cumhuriyete Tarihçilik”, *Tanzimattan Cumhuriyete*

- Türkiye Ansiklopedisi*, cilt 6, İstanbul: İletişim Yayınları.
- Atalay, Beşir(1999), “Ahmet Cevdet Paşa Tarihinde Osmanlı Devleti”, *Osmanlı*, cilt 8, Ankara: Türkiye yayınları.
 - Başaran, Betül Alpugan(1999), “Gec Donem Osmanlı İmparatorluğunda Tarih Yazıcılığı ve Tarih Kitapları”, *Osmanlı*, cilt 8, Ankara: Türkiye yayınları.
 - İpşirli, Mehmet(1999), “Osmanlı Tarih Yazıcılığı”; *Osmanlı*, Cilt 8, Ankara: Türkiye yayınları.
 - İslam Ansiklopedisi(2005), cilt 7, İstanbul: Türkiye Diyanet Vakfı.
 - Mehmed Cemaletdin(2003), *Osmanlı Tarih ve Müverrihleri(Ayine-i Zurefa)*, İstanbul: Kitabevi.
 - Öztürk, Necdet(1999), “Osmanlılarda Tarih Yazıcılığı Uzerine,”; *Osmanlı*, cilt 8, Ankara: Türkiye yayınları.
 - Ünal, Yenal(2010), “Türkiye’de Tarihçilik, Tarihçiliğin Gelişimi(15–20. YY) ve Türk-Batı Tarihçiliğine Örnek İki Kitabın Karşılaştırmalı Analizi”, *Kelam Araştırmaları*, 8:2.
 - Ziya Ulken, Hilmi(1999), *Türkiyede çağdas Düşünce Tarihi*, İstanbul: Ulken Yayınları.

د. انگلیسی

- Ágoston, Gábor and Bruce Masters(2009), *Encyclopedia of the Ottoman Empire*, New York: facts on file.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی



پښتونستان د علوم او انسانیت د مطالعاتو د مرکز
پرتال جامع علوم انسانیت